

دختری که در زندان زاده شد

محمد بلوری/ مهتاب، در شرکت تجاری اش از پشت شیشه پنجره اتاقش به تماشای خیابان ایستاده بود که دختر جوانی برای استخدام در شرکت وارد اتاقش شد. این دختر برایش تعریف کرد که پدرش در تصادف کشته شده و مادرش به علت بیماری مرده است...

مهتاب از سرگیجه ای که داشت، سرش را به پشتی صندلی خواباند. دختر پرسید: خانم آیا ناراحتان کردم؟ عذر می خوام. من را ببخشید. مهتاب گفت نه دخترم. چیزیم نیست. یک سوال خصوصی دارم.

مریم جواب داد: بپرسید خانم. جواب میدم.

از مادرتان برابم تعریف کنید.

بیچاره مادرم، باهمه مریضی قلبیش، توخانه های مردم کار می کرد. برای خیاطی دیگرا، شب ها سوزن نخ می کرد و می خواست تا خرج تحصیل را تأمین کند.

مهتاب غرق نگاه در چشم های سبز دختر شد. پرسید: چه چشم های قشنگی داری. به رنگ دریای یک روز آفتابی! دختر از شرمساری لبخندی زد و گفت: ممرنگ چشم های قشنگ شماست خانم. از این نظر خوشحالم.

مهتاب پرسید: چشم های مادرت هم به همین قشنگی بود؟ یعنی سبزه به رنگ دریای آفتابی؟
مریم جواب داد: نه خانم. رنگ چشم های مادر خدا بیامرزم، سیاه و پوستش روشن بود

پدرتان چی؟

نه خانم. پدر خدایامرز هم به همان رنگ بود. سیاه...

مهتاب پرسید: پس چشم های شما رنگ دیگه است؟

مریم گفت: بله خانم همه دوستان و آشنایان از همین تفاوت رنگ چشمان من با پدر و مادرم می پرسیدند.

مهتاب پرسید: در میان فامیل و خویشاوندان شما، کسی هم بود که چشم هایی به زیبایی رنگ چشم های تو داشته باشد؟

مریم فکری کرد و گفت: فکر نمی کنم خانم.

مهتاب پرسید: از مادرت تعریف کن. خیلی دوست داشت؟

مریم گفت: آره خانم. مهربان ترین مادر دنیا بود وقتی می دیدم با حال بیماراش شبانه روز آن همه تاش می کند گریه ام می گرفت با همه دردهایش لبخند میزد و می گفت: غصه نخور دخترم. درس هایت که تمام بشه کار پیدا می کنی و آن وقت من دیگه مجبور نیستم برای دیگران کار کنم.

مهتاب به چهره دخترزل زد و پردهای از اشک روی چشم های غمگین اش لرزید. پرسید: از دوران بچگی ات تعریف کن دخترم از وضع زندگی خانواده ات.

مریم جواب داد: در گذشته زندگی مرفهی داشتیم خانم. پدرم به تجارت مشغول بود و چیزی کم نداشتیم تا اینکه پدرم به خاطر خیانت شریکش، همه چیزش را از دست داد، حتی فرش زیر پای مان را فروختم. خونه و باغ و ماشین مان را به حراج گذاشتیم تا بدهی طلبکاران را بدهیم اما باز کم آوردیم و پدرم با شکایت عده ای از طلبکارها به زندان افتاد. بعد از مرگش هم من و مادرم روزهای سخت و دشواری را پشت سر گذاشتیم تا اینکه مادرم هم از غصه عمرش را داد به شما. مهتاب بغض اش به یکباره ترکید و به هق هق گریه افتاد. مریم خودش را در میان بازوان او انداخت. مهتاب خودش را در میان موهای دختر فروبرد و با همه گنجایش سینه اش بوید. احساس می کرد در عطر گیسوان دختر گمشده اش مدهوش می شود. اشتباه نمی کرد همان بوی آشنای دخترش بود. رایحه ای چون عطر تن کبوتران صحرایی قاتی بوی عسل بهاری. مهتاب با انگشتانی عرشه دار بقیه پیرهن دخترک را پیس زد و نگاهش به همان خال قهوه ای افتاد که بر شانه دخترش -آزاده- نشان کرده بود. آن گاه با هق هق گریه، مویه کنان نام فرزندش را زار زد.

آه آزاده من، باور می کنم. من معجزه را باور دارم.

و آنگاه از هوش رفت...

پایان

رئیس پلیس راهور ناجا:

سفر آزاد است اما مسافرت نروید

گروه حوادث/ سفر به ۹۱درصد شهرها به جز ۴۰ شهر قرمز و نارنجی، در تعطیلات نوروز مجاز است.

سردار هادیانفر، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا در همایش طلبه داران فرهنگ ترافیک که صبح دیروز در ستاد پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا با حضور جمعی از همیاران پلیس، بازرسان کنترل نا محسوس، بانوان فرهنگ یار ترافیک، راهوران محله و سفیران



فرهنگی پلیس راهور برگزار شد با بیان این مطلب گفت: ۳۰ هزار نیروی ما، در ۲۳۶ هزار کیلومتر راه ها و ۱۲۴۷ شهر کشور در حال فعالیت هستند. وی اظهار کرد: در گذشته یکی از مشکلات اساسی ما افزایش تعداد تصادفات و فوتی ها بود. استفاده از همیاران بازرسان نامحسوس و تعامل با وزارت آموزش و پرورش باعث شد تخلفات تا ۱۸ درصد کاهش یابد. سردار هادیانفر گفت: امروز ۳۵ میلیون وسیله نقلیه و ۴۴ میلیون راننده در کشور داریم. سالی ۲ میلیون خودرو در کشور تولید می شود، اما خروجی خودروی فرسوده نداریم. کرونا تنها ۳۰ درصد بر کاهش تصادفات اثر گذاشت و در فروردین امسال ۶۷درصد تردها کاهش یافت. سپس با مرور زمان تردها دوباره افزایش یافت و تا اسفند میانگین تردها ۱۵درصد بود. اما در اسفند امسال، ۱۳درصد تردها افزایش یافت.

هادیانفر اظهار کرد: به جز ۴۰ شهر قرمز و نارنجی، با رعایت پروتکل های بهداشتی، سفر به سایر استان ها مجاز است، اما ما تاکید می کنیم همه در خانه بمانند تا سالم بمانند.

رئیس پلیس راهور ناجا گفت: بررسی و تحلیل ۱۱سال تصادفات کشور این بود که در ۸۰درصد تصادفات مرگبار ۴ عامل سرعت غیرمجاز، سبقت غیرمجاز، عدم توجه به جلو و خستگی- خواب آلودگی نقش داشته است.

۳ روز فرصت برای جابه جایی در صورت تغییر رنگ شهر

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا همچنین گفت: اگر شهری از وضعیت آبی و زرد به شهر نارنجی و قرمز تبدیل وضعیت شد، هموطنان فرصت دارند تا سه روز از شهر خارج شوند.

قصاصی پایان یک لحظه عصبانیت



اعتراف کرد و گفت در یک لحظه عصبانیت با چاقو به دوستش ضربه زده است. با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست پرونده برای رسیدگی به دادگاه ارسال شد.

در جلسه رسیدگی به این پرونده ابتدا کیفرخواست علیه متهم خوانده شد. سپس اولیای دم در جایگاه حاضر شده و درخواست صدور حکم قصاص کردند. آنها گفتند حاضر به گذشت نیستند و تنها چیزی که آرام شان می کند صدور حکم قصاص است.

سپس متهم در جایگاه قرار گرفت. او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: من خیلی پشیمان هستم. روز حادثه من و تعدادی از دوستان مشترکمان در خانه سعید بودیم. ما خیلی صمیمی بودیم و ارتباط خوبی هم با هم داشتیم. بعد سعید پاسور آورد که بازی کنیم چند دست که با هم بازی کردیم متوجه شدم او تقلب می کند و با تقلب برنده می شود. من اعتراض کردم و گفتم چرا تقلب می کنی. اما عصبانی شد و فحاشی کرد. از شنیدن حرف هایش خیلی ناراحت شدم و کنترلم را از دست دادم. در یک لحظه چاقو را برداشتم و به سمتش حمله کردم و یک ضربه هم بیشتر نزدم همان یک ضربه باعث مرگش شد.

متهم در پاسخ به این سؤال که چاقو را کجا آورده است، گفت: من چاقو را از بشقاب میوه خوری برداشتم. در بشقاب برای میهمان ها میوه گذاشته بودند و ما داشتیم بازی می کردیم و میوه می خوردیم.

بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافع او هیأت قضات برای تصمیم گیری وارد شور شدند و متهم را با توجه به مدارک موجود در پرونده به قصاص محکوم کردند. این رای ظرف ۲۰ روز قابل تجدیدنظرخواهی خواهد بود.

گروه حوادث/ پسر جوانی که به خاطر تقلب در بازی عصبانی شده و دوستش را به قتل رسانده بود به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این حادثه خونین تابستان امسال در حالی رخ داد که چند پسر جوان برای میهمانی به خانه یکی از دوستان شان رفته بودند اما وقتی سرگرم پاسور بازی بودند با هم درگیر شدند و صاحبخانه به نام سعید به قتل رسید. وقتی مأموران پلیس برای بررسی ماجرا به محل حادثه رفتند شاهدان حاضر در صحنه مدعی شدند یکی از میهمانان به نام کوروش باعث قتل سعید شده است اما بعد از درگیری فرار کرده است.

به این ترتیب بررسی ها برای دستگیری متهم آغاز شد و بعد از چندین روز تحقیق سرانجام کوروش بازداشت شد. او به قتل

بازگشت مرداعدلی ازپلی چوبه دار

گروه حوادث/ مرد جوانی که ۶ سال قبل به اتهام قتل محکوم به قصاص شده بود با رضایت خانواده مقتول از پای چوبه دار به زندگی برگشت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این حادثه حدود ۶ سال قبل در یکی از روستاهای استان گلستان رخ داد و دو مرد جوان بر سر باربری با یکدیگر درگیر شدند و در یک لحظه عصبانیت یکی از آنها با هل دادن دیگری منجر به مرگ وی شد.

پس از دستگیری متهم به قتل اعتراف کرد اما مدعی شد که قصد کشتن مقتول را نداشته و بر اثر یک اشتباه باعث مرگ مرد جوان شده است. با این حال به درخواست خانواده مقتول برای قصاص متهم وی محاکمه و به مجازات مرگ محکوم شد.

در حالی که حدود یک سال از این ماجرا گذشته بود واحد صلح و سازش شورای حل اختلاف زندان گرگان با بررسی پرونده این مرد جوان و با توجه به اینکه قتل ناخواسته رخ داده بود به سراغ این مرد در زندان رفته و در تحقیقات گسترده متوجه شدند وی در زندان نیز توبه کرده و رفتار مناسبی داشته است بنابراین اقدام خود را برای جلب رضایت اولیای دم آغاز کردند. اما خانواده مقتول همچنان خواهان اجرای حکم قصاص بودند. در حالی که این تلاش ها از سوی شورای حل اختلاف زندان گرگان ادامه داشت سرانجام صبح روز دوشنبه در حالی که مرد زندانی برای اجرای حکم اعدام پای چوبه دار رفته بود بار دیگر واحد صلح و سازش شانس خود را برای جلب

رضایت اولیای دم به کار بست و این بار موفق شدند در آخرین لحظات قبل از اعدام رضایت خانواده مقتول را جلب کنند. آنها نیز بدون دریافت دیه و فقط با این شرط که مرد جوان پس از آزادی از زندان دیگر در استان گلستان زندگی نکند از اعدام او چشم پوشی کردند.

احمد جعفری معاون قضایی رئیس کل دادگستری و رئیس شورای حل اختلاف گلستان در این باره گفت: محکوم به قصاص جوانی است که ۶ سال پیش در پی یک اشتباه، جان یک انسان را گرفت. به درخواست اولیای دم حکم قصاص صادر شد و پس از انجام تشریفات قانونی، رای نهایی شد و در نوبت اجرا قرار گرفت.

وی ادامه داد: پیش از اجرای حکم پرونده به واحد صلح شورای حل اختلاف زندان گرگان ارجاع و تلاش برای جلب رضایت اولیای دم آغاز شد. طی سال های گذشته اعضای شورای حل اختلاف بارها به همراه بزرگان دو خانواده به خانه مرحوم مراجعه کردند اما اولیای دم، همچنان بر قصاص اصرار داشتند. تا اینکه به لطف خداوند، صبح دوشنبه و دقایقی پیش از اجرای حکم، اولیای دم رأفت و گذشت را ترجیح دادند و بدون هیچ قید و شرطی از حق قانونی و شرعی خود گذشتند و قاتل را بخشیدند.

گروه حوادث/ پسر ۱۵ ساله ارومیه ای که تعدادی بمب دست ساز را زیر لباسش مخفی کرده بود به علت انفجار مواد جان باخت.

سرهنگ حسن شیخ نژاد، فرمانده

انفجار بمب دست ساز

جان پسر نوجوان را

گرفت

حوادثی که در سال گذشته دنیا را تکان داد

وقوع برخی حوادث اعم از طبیعی یا غیر طبیعی تأثیری فراگیر داشته و تا سال ها از خاطرات پاک نخواهد شد. در یکصد سال گذشته از این دست حوادث در دنیا کم نداشته ایم. در این نوشتار بر چند نمونه از مهم ترین و تأثیر گذار ترین آنها مروری کوتاه خواهیم داشت.

مرگ بازیکنان تیم

منچستر یونایتد

۱۹۵۸ میلادی



سقوط هواپیمای مونبخ در سال ۱۹۵۸ میلادی سبب شد اغلب بازیکنان تیم فوتبال منچستر یونایتد جان خود را در این سانحه هوایی از دست بدهند. این هواپیما حامل بازیکنان و مربیان باشگاه فوتبال منچستر یونایتد، هواداران این تیم و تعدادی خبرنگار بود. ۲۰ نفر از ۴۴ سرنشین هواپیما، موقع سقوط جان باختند. بقیه سرنشینان که به شدت آسیب دیده و بیهوش شده بودند، به یکی از بیمارستان های شهر مونبخ منتقل شدند.

سه نفر نیز در بیمارستان جان باختند که در نتیجه مجموع جانباختگان این حادثه به ۲۳ نفر رسید.

زلزله و سونامی ژاپن

۲۰۱۱ میلادی



یازدهم مارس ۲۰۱۱ میلادی زمین لرزه ای به بزرگی ۹ ریشتر به همراه سونامی ژاپن را لرزاند. بیش از ۱۵۰۰۰ نفر کشته و ۹۰۰۰ نفر ناپدید شدند. این زمین لرزه قدرتمندترین زلزله ثبت شده در ژاپن و پنجمین زلزله قدرتمند جهان عنوان شد. در این حادثه نیروگاه هسته ای فوکوشیما و ساکنان این منطقه تخلیه شده و مقام های ژاپنی برای بازسازی کشور شان بیش از ۲۳۵ میلیارد دلار هزینه کردند.

فاجعه

استادیوم «هیلزبورو»

۱۹۸۹ میلادی

فاجعه هیلزبورو حادثه ای بود که بر اثر تجمع انسانی در نیمه پایانی بازی جام حذفی انگلستان بین دو تیم انگلیسی لیورپول و ناتینگهام فارست در ۱۵ آوریل ۱۹۸۹ در استادیوم هیلزبورو شهر شفیلد رخ داد. در این حادثه ۹۶ نفر جان خود را از دست دادند و ۷۶۶ نفر مجروح شدند که همگی آنها جزو هواداران لیورپول بودند.

آتش سوزی برج گرنتل

در لندن

۲۰۱۷ میلادی



ناپدید شدن هواپیمای مالزی

۲۰۱۴ میلادی

ناپدید شدن هواپیمای مالزیایی همچنان به عنوان بزرگترین اسرار هوانوردی قرن قلمداد می شود. این هواپیما از کوالالمپور به سمت پکن در حال حرکت بود که از مسیر رادارهای هوایی به همراه ۲۳۹ مسافر از ۱۴ کشور دنیا ناپدید شد. هواپیمای ناپدید شده یک بوئینگ ۷۷۷ متعلق به شرکت هوایی مالزی بود که به طور مرموزی ناپدید شد و عملیات بین المللی برای پیدا کردنش از سوی ۲۶ کشور جهان ادامه یافت اما تاکنون هیچ ردی از هواپیما و مسافرانش به دست نیامده است.

